

تحلیل گذار تجرد زنان و مردان در ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

علی رحیمی^۱، شهلا کاظمی پور^۲، حجه بی بی رازقی نصرآباد^۳

(تاریخ دریافت ۹۴/۱۲/۱۲، تاریخ پذیرش ۹۵/۱۱/۰۹)

چکیده

وضع زناشویی یکی از جنبه‌های اساسی ساخت جمعیت است که تحول شاخص‌های مربوط به آن می‌تواند بر بسیاری از مؤلفه‌های جمعیتی، از جمله خانواده و کارکردهای آن، اثرگذار باشد. در این مطالعه، با تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، چگونگی تغییرات وضعیت تجرد مردان و زنان طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ به صورت مقطعی و نسلی بررسی و درباب زمینه‌های مرتبط با این تغییرات بحث شده است. نتایج بررسی مقطعی نشان می‌دهد که طی سال‌های پیش‌گفته، درصد مجردها در گروه‌های مختلف سنی زنان و مردان افزایش یافته و به‌طور کلی، ازدواج هر دو جنس با تأخیر مواجه شده است. البته، در زنان، علاوه بر برجسته‌بودن تأخیر، الگوی سنی ورود به ازدواج نیز بیش از مردان دستخوش تغییر شده است. نتایج بررسی نسلی نیز نشان می‌دهد که هرچه از نسل‌های قدیمی به سمت نسل‌های جدید پیش می‌رویم، چهار تغییر اساسی در وضعیت تجرد رخ می‌دهد: ۱. در هر دو جنس، در سنین متناظر نسل‌ها، بر درصد مجردها افزوده می‌شود؛ ۲. با افزایش درخور توجه درصد تجرد زنان در سنین اولیه ازدواج (۱۵ تا ۱۹ سالگی)، از تفاوت بین درصد تجرد مردان و زنان در

۱ کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی و کارشناس پژوهشی گروه مطالعات خانواده، ازدواج و طلاق در مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور. (نویسنده مسئول) ali.rahimi@psri.ac.ir
۲ دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور. skazemipour@gmail.com
۳ استادیار جمعیت‌شناسی و عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور. hajjiih.razeghi@psri.ac.ir

این سنین کاسته می‌شود؛ ۳. سهم ازدواج‌های نزدیک به سن تجرد قطعی و نیز درصد تجرد قطعی در هر دو جنس (مخصوصاً در زنان) افزایش می‌یابد و اختلاف درصد تجرد قطعی بین مردان و زنان بیشتر می‌شود؛ ۴. با وجود برخی تفاوت‌ها، وضعیت تجرد (درصد افراد هرگز ازدواج‌نکرده) زنان به سمت هم‌گرایی با مردان پیش می‌رود.

واژگان کلیدی: تحلیل نسلی، تحلیل مقطعی، گذار تجرد، تأخیر در ازدواج، تجرد قطعی.

مقدمه

ازدواج، به‌منزلهٔ هنجاری پذیرفته‌شده در همهٔ کشورهای دنیا، از کارکردهای مختلفی برخوردار است. اهمیت این واقعهٔ اجتماعی، بیشتر از آنجا نشئت می‌گیرد که مبنای تشکیل مهم‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده است، نهادی که به‌عقیدهٔ بسیاری از محققان و صاحب‌نظران، خود دربردارندهٔ کارکردهای متعدد فردی و اجتماعی است. با وجود این، در جریان گذار جمعیتی دوم^۱ - که از آن با عنوان گذار ازدواج و خانواده نیز یاد می‌شود - شاهد تحول ابعاد مختلف ازدواج در بسیاری از کشورهای جهان هستیم. از جملهٔ این تحولات می‌توان افزایش میانگین سن در اولین ازدواج، افزایش تعداد افراد مجرد (هرگز ازدواج‌نکرده‌ها)، کاهش ازدواج‌های ترتیب‌یافته^۲، افزایش آزادی در انتخاب همسر، افزایش رابطهٔ خارج از ازدواج، هم‌خانگی و... را نام برد که در میان جوامع مختلف در حال همگرایی است (ون دکا،^۳ ۱۹۸۷). در میان این تحولات، افزایش میانگین سن در اولین ازدواج را می‌توان نقطهٔ مشترک اکثر کشورهای جهان خصوصاً طی دهه‌های اخیر به‌شمار آورد (سازمان ملل،^۴ ۲۰۱۵)؛ موضوعی که توجه بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزهٔ ازدواج و خانواده (اندرسون و همکاران،^۵ ۱۹۸۷؛ ردرفورد و همکاران،^۶ ۲۰۰۱؛ پنگ،^۷ ۲۰۰۷؛ جونز،^۸ ۲۰۱۰ و...) در کشورهای مختلف به آن معطوف شده‌است.

- 1 Second Demographic Transition
- 2 Arranged Marriage
- 3 Van de Kaa
- 4 United Nations
- 5 Anderson & et al
- 6 Retherford & et al
- 7 Peng
- 8 Jones

اهمیت زمان بندی وقوع ازدواج و تمرکز برخی محققان بر این موضوع را بیشتر می توان به رابطه تنگاتنگ ازدواج و تشکیل خانواده با تجدید نسل انسانی (باروری) نسبت داد؛ چراکه «زمان وقوع ازدواج (سنی که در آن ازدواج اتفاق می افتد)، تأثیر بلافصل و بدون واسطه ای بر باروری اعمال می کند» (محمودیان، ۱۳۸۳: ۲۸) و مطالعات متعدد در کشورهای توسعه یافته و اخیراً در کشورهای در حال توسعه، نقش تغییرات زمان ازدواج بار اول در انتقال باروری را به خوبی نشان داده اند (کوال و واتکینز،^۱ ۱۹۸۶؛ کاسترلین،^۲ ۱۹۹۴؛ روزرو بیکیسای،^۳ ۱۹۹۶). طی سال های اخیر، در ایران نیز موضوع افزایش سن ازدواج، علاوه بر فضای رسانه ای، در مطالعات متعددی (کاظمی پور، ۱۳۸۳؛ محمودیان، ۱۳۸۳؛ هزارجریبی و آستین افشان، ۱۳۸۸؛ خلیج آبادی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۰ و...) مطرح شده و حتی برخی محققان و صاحب نظران، این افزایش را به منزله مسئله اجتماعی مطرح کرده یا به پیامدهای آسیب زای آن اشاره کرده اند (مجدالدین، ۱۳۸۶؛ بانکی پور فرد، ۱۳۹۱؛ ترابی، ۱۳۹۱؛ خسروانی، ۱۳۹۳ و...). برآیند کلی گفتمان های مرتبط با افزایش سن ازدواج طی سال های اخیر را می توان در سیاست های کلی جمعیت^۴ (۱۳۹۳) و نیز سیاست های کلی خانواده^۵ (۱۳۹۵) دید؛ به نحوی که در هر کدام از این سیاست های ابلاغی، یک بند به طور اختصاصی به موضوع افزایش سن ازدواج اختصاص یافته و ضمن تأکید بر لزوم کاهش سن ازدواج، بر تسهیل و ترویج تشکیل خانواده نیز تأکید شده است. در نگاهی کلی به داده ها و اطلاعات آماری موجود، افزایش سن ازدواج در کشور طی سال های اخیر مشهود است؛ به نحوی که طی سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰، میانگین سن اولین ازدواج زنان و مردان، به ترتیب، ۵/۰ و ۱/۷ سال افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۴۵-۱۳۹۰). اما باید در نظر داشت که شاخص میانگین سن ازدواج شاخصی کلی است و زوایای

1 Coale & Watkins

2 Casterline

3 Rosero-Bixby

۴ بند ۲ سیاست های کلی جمعیت (۱۳۹۳): رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد.

۵ بند ۴ سیاست های کلی خانواده (۱۳۹۵): ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سن مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ سازی و ارزش گذاری به تشکیل خانواده متعالی براساس سنت الهی.

مختلف زمان‌بندی ازدواج در جامعه را به‌خوبی روشن نمی‌کند. به‌نظر می‌رسد در راستای تدوین سیاست‌های دقیق و هدفمند در حوزه ازدواج و تشکیل خانواده، لازم است مطالعات دقیق‌تری در باب زمان‌بندی ازدواج صورت گیرد. بررسی پیشینه تحقیقات مرتبط با ازدواج، این نوع مطالعات را به‌منزله‌ی خلأ تحقیقاتی در حوزه ازدواج نشان می‌دهد.

در دانش جمعیت‌شناسی، رصد تحولات زمان‌بندی ازدواج با استفاده از روش‌ها و محاسبه شاخص‌های مختلف امکان‌پذیر است که بررسی «وضع زناشویی»^۱ در سنین مختلف، از این نمونه به‌شمار می‌رود. از نظر وضع زناشویی، هر فرد ۱۵ ساله و بالاتر، یا «هرگز ازدواج‌نکرده» است یا «دست‌کم یک‌بار ازدواج کرده»؛ که البته هر یک از افراد دست‌کم یک‌بار ازدواج کرده، در یکی از گروه‌های «دارای همسر»، «بدون همسر بر اثر طلاق» و «بدون همسر بر اثر فوت همسر» قرار می‌گیرند (میرزایی، ۱۳۸۶: ۷۷). حال، برحسب اینکه در جامعه، هر یک از سنین منفرد یا گروه‌های سنی واقع در سن زناشویی (۱۵ تا ۴۹ سال) چه نسبتی از حالت‌های نام‌برده را به خود اختصاص داده‌اند، می‌توان درباره‌ی الگوی سنی و اهمیت ازدواج و نیز وضعیت طلاق آن جامعه قضاوت کرد. با توجه به اینکه نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده و نسبت افراد دست‌کم یک‌بار ازدواج کرده مکمل یکدیگرند، با محاسبه یکی از این شاخص‌ها برای سنین مختلف می‌توان الگوی ورود افراد جامعه به ازدواج را بررسی و تحلیل کرد. در مطالعه پیش‌رو، محاسبه نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده (نسبت تجرد) در گروه‌های سنی مختلف ملاک عمل قرار گرفته و تلاش شده‌است با محاسبه این شاخص در گذر زمان (طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۹۰)، چگونگی گذار تجرد زنان و مردان ایرانی در بستر تغییرات اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی کشور بررسی شود.

گفتنی است در این مطالعه، گذار تجرد زنان و مردان، با دو رویکرد مقطعی و نسلی بررسی شده‌است. در رویکرد مقطعی، نسبت تجرد گروه‌های سنی پنج‌ساله جمعیت در سن ازدواج (شامل هفت گروه سنی) - که در اصل، متعلق به نسل‌های مختلف هستند- برای مقطع زمانی ۱۳۴۵ و ۱۳۹۰ محاسبه شده و بین این دو سال مقایسه‌ای صورت گرفته‌است، اما در رویکرد نسلی، چند نسل از زنان و مردان، که متعلق به دوره‌های زمانی متفاوت‌اند، انتخاب شده و ضمن دنبال کردن چگونگی روند کاهشی نسبت تجرد آنها، از ابتدای سن زناشویی‌شان، بین این نسل‌ها مقایسه‌هایی نیز به‌عمل آمده‌است. در بخش روش‌شناسی این موضوع به‌تفصیل شرح

1 Marital Status

داده خواهد شد. در این مطالعه، تلاش خواهد شد با استفاده از داده‌های موجود، زمینه‌های مرتبط با تحولات رخ داده نیز تحلیل شود.

در ایران، کمتر مطالعه‌ای از زاویه بررسی وضع زناشویی و شاخص نسبت مجرد به موضوع پرداخته‌است. بررسی‌ها نیز نه به‌طور اختصاصی و جامع، بلکه به‌صورت محدود و در بخش کوچکی از تحقیقات مرتبط با ازدواج جای گرفته‌اند. ضمن اینکه، تاکنون مطالعه‌ای با رویکرد نسلی به تحقیق در این زمینه نپرداخته‌است. مطالعه حاضر، ضمن اینکه در راستای بندهایی از سیاست‌های کلی خانواده و جمعیت در سال‌های اخیر است، بخشی از خلأهای تحقیقاتی موجود را پوشش داده و با ایجاد شناخت دقیق‌تر از موضوع، می‌تواند در راستای برنامه‌ریزی‌های واقع‌بینانه و اصولی ازدواج و تشکیل خانواده مؤثر واقع شود.

پیشینه نظری تحقیق

با توجه به اینکه وضعیت زناشویی جمعیت، خصوصاً از نظر نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده، ارتباط مستقیمی با سن ازدواج دارد، در این بخش از مطالعه، تلاش می‌شود مباحث نظری در باب سن ازدواج ارائه شود. البته، با در نظر داشتن اینکه مطالعه حاضر ماهیتی اکتشافی دارد، به دنبال اثبات یا رد نظریه‌های مطرح در این‌بخش نیستیم و می‌کوشیم ضمن مرور این دیدگاه‌ها، از آنها برای تحلیل گذار مجرد زنان و مردان ایرانی بهره‌مند شویم.

نظریه نوسازی^۱ ویلیام گود^۲ (۱۹۶۳)، پایه نظری بسیاری از تحقیقات در زمینه تغییرات و تحولات خانواده و به‌ویژه سن ازدواج است. طبق این نظریه، مدرنیزاسیون یا نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی زمان ازدواج را تحت تأثیر قرار داده‌است. از میان مهم‌ترین عوامل مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییر در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد. به اعتقاد گود، ازدواج افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند، به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر شهری، نسبت به مناطق روستایی، با تأخیر صورت می‌گیرد (گود، ۱۹۶۳).

از دیگر نظریه‌هایی که در تحلیل اقدام افراد به ازدواج می‌توان از آن استفاده کرد، نظریه «عقلانیت» است. بر پایه این نظریه، افراد در زندگی انتخاب‌های متعددی پیش روی خود دارند. مواردی مانند تصمیم به ازدواج یا مجردماندن، تصمیم به بچه‌دارشدن و زمان آن و... به

1 Modernization theory

2 Goode, W.

عقلانیت انسان‌ها مربوط می‌شود. دو تحلیل در این زمینه وجود دارد: تحلیل نخست، به نظریه «انتخاب عقلانی»^۱ و تحلیل دوم، به نظریه «عقلانیت اخلاقی» اشاره دارد. هریک از این دو نظریه بر مبنای مفروضات متفاوتی در باب انسان شکل گرفته است.

نظریه انتخاب عقلانی بر مبنای اقتصاد نئولیبرالیستی شکل گرفته و حاصل وضعیتی است که پس از دوران صنعتی شدن در کشورهای پیشرفته جهان به وجود آمد و باعث ظهور تفکر روشنگری در این عصر شد. طبق این نظریه، مردم سلیق و ذائقه‌های متفاوتی دارند و با مسائل و موضوعات متفاوتی روبه‌رو می‌شوند؛ بنابراین، در هر لحظه باید تصمیم بگیرند چگونه عمل کنند. این تصمیم‌گیری بر اساس محاسبه سود و زیان صورت می‌گیرد و آنها در نهایت سعی می‌کنند تصمیمی بگیرند که حداکثر سود و بهره‌وری را برای آنان داشته باشد. در اینجا، بیشتر به انتخاب فردی توجه می‌شود. تأثیر ساختارهای اجتماعی و عوامل فرهنگی بر تصمیم‌گیری افراد نادیده انگاشته می‌شود و فرض بر این است که عوامل بیرونی تأثیر چندانی بر انتخاب فرد ندارد و او تنها از طریق درک اوضاع و فهم درونی و محاسبات عقلانی خود به تصمیم نهایی می‌رسد. این همان موضوعی است که در توصیف انسان، به منزله موجودی حساب‌گر و سودجو، به کار برده می‌شود، انسانی که مصلحت شخصی^۲ خود را در نظر می‌گیرد و بر این مبنای اقدام می‌کند (مک‌کارتی^۳ و ادواردز^۴، ۱۳۹۰: ۵۸۹-۵۹۰).

در مقابل، عقلانیت اخلاقی به اهمیت مسائل اجتماعی و ارتباطات انسانی اشاره و این باور را تقویت می‌کند که این مسائل به مراتب مهم‌تر و باارزش‌تر از مسائل مالی و اقتصادی‌اند. از این دیدگاه، عقلانیت اخلاقی بر عقلانیت اقتصادی مقدم است؛ زیرا اگرچه مسائل مالی در خانواده اهمیت دارد و می‌تواند در زمینه‌های مختلف نقش مهمی بازی کند، رفتار انسان‌ها بیش از آنکه از مسائل اقتصادی متأثر باشد، تحت تأثیر مسائل فرهنگی و اجتماعی است. افراد با این دیدگاه نیز عقلانی عمل می‌کنند، اما این عقلانیت حالتی بین‌الذهانی^۵ دارد؛ به طوری که آنها انتخاب عقلانی را در زمینه‌ای فرهنگی و اجتماعی انجام می‌دهند و با در نظر گرفتن اوضاع تصمیم می‌گیرند انجام چه کاری درست یا نادرست است. با این حال، این دیدگاه نقش عوامل

1 Rational Choice Theory

2 Self-Interest

3 McCarty

4 Edwards

5 Inter-Subjectively

اقتصادی را نادیده نمی‌گیرد، اما اهمیت آن را کمتر از عوامل فرهنگی و اجتماعی می‌داند. از این منظر، انسان جامعه‌شناختی^۱ مقدم بر انسان اقتصادی^۲ است (همان، ۵۹۲). بکر^۳ نیز تفسیر مناسبی از زمان تصمیم‌گیری افراد برای ازدواج ارائه کرده‌است. او معتقد است پدیده‌ای مانند ازدواج را می‌توان از زاویه عرضه و تقاضا مطالعه کرد. به عقیده او، زن و مرد، هریک، دارای قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و جاذبه‌های خاصی هستند و این ویژگی‌ها را به دیگری عرضه می‌کنند؛ به گونه‌ای که توانمندی‌ها، مهارت‌ها و تجربیات هریک از آنها (سرمایه انسانی) برای دیگری از جاذبه خاصی برخوردار است. با این درک متقابل، زن و مرد وارد معامله‌ای مشترک می‌شوند و با عقد قرارداد سعی می‌کنند هم‌افزایی لازم را ایجاد کنند و کارایی و بهره‌وری خود را به حداکثر برسانند. بنابراین، افراد زمانی تصمیم به ازدواج می‌گیرند که باور کنند در صورت ازدواج کردن، منافع آنان بیش از زمان مجردی است (بکر، ۱۹۷۶). البته، جامعه‌شناسان دیگر، این تفکر را به تمام عرصه‌های زندگی و خانوادگی تعمیم داده‌اند؛ مثلاً انتخاب عقلانی به افراد می‌گوید که ازدواج زن با مردی که درآمد ناچیزی دارد یا اصلاً شغل مناسبی ندارد اقدامی منطقی نیست؛ به خصوص وقتی که زن از درآمد خوبی برخوردار است، تحصیلات عالی دارد و حتی فرصت‌های شغلی بهتری در انتظار اوست. در این وضعیت، اقدام به چنین ازدواجی عقلانی نخواهد بود (مفیت، ۲۰۰۰).

دیکسون^۵ (۱۹۷۱) در باب الگوهای ازدواج، بر اهمیت سه متغیر تأکید دارد و معتقد است که این سه متغیر، اثر ساختار اجتماعی بر الگوهای ازدواج را تعدیل می‌کنند. این سه متغیر عبارت‌اند از: دسترسی،^۶ امکان^۷ و تمایل.^۸ متغیر اول (دسترسی) از طریق توازن نسبت سنی-جنسی افراد در سن ازدواج و روش‌های انتخاب همسر (تنظیم‌شده یا انتخاب آزاد) تعیین می‌شود. او اظهار می‌کند جایی که عدم توازن جدی در نسبت سنی - جنسی جمعیت در سن ازدواج وجود دارد، برخی ازدواج‌ها با تأخیر مواجه هستند و جایی که افراد جوان برای انتخاب همسر آزاد هستند، ازدواج‌ها نسبت به جایی که همسران را والدین انتخاب می‌کنند، دیرتر

-
- 1 Homo Sociologicus
 - 2 Homo Economicus
 - 3 Becker
 - 4 Moffitt
 - 5 Dixon
 - 6 Availability
 - 7 Feasibility
 - 8 Desirability

اتفاق می‌افتد. متغیر دوم (امکان) به وضعیت اجتماعی و اقتصادی مربوط می‌شود که برای زوج‌های جوان جهت تشکیل خانواده ضروری است. متغیر سوم (تمایل) توسط فشار اجتماعی و تحریک و انگیزش فردی برای ازدواج تعریف شده‌است. فشار اجتماعی نه‌فقط شامل پاداش اجتماعی از قبیل: عشق و عاطفه، حمایت اقتصادی، حفظ اصل و نسب و احساس خوشی در سال خوردگی، بلکه شامل مجازات اجتماعی از قبیل انزوای اجتماعی و ننگ و رسوایی به‌دلیل بی‌فرزندگی یا تجرد قطعی از سنی معین به بعد است. اگر پاداش اجتماعی برای تجرد در سن معین بیشتر از مجازات آن باشد، یقیناً ازدواج با تأخیر صورت می‌گیرد (کریمی، ۱۳۸۸: ۴۲).

با توجه به دیدگاه‌های مطرح‌شده، در جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت ازدواج در هر سن یا عدم ازدواج تا پایان عمر تحت تأثیر دو مجموعه «عوامل ساختاری و بیرونی» و «عوامل فردی و درونی» قرار دارد که معمولاً بسته به موقعیت، برآیند این عوامل، تعیین‌کننده زمان ازدواج افراد و نهایتاً چگونگی وضعیت زناشویی در جامعه خواهد بود. عوامل ساختاری و بیرونی، کمتر تحت اختیار و کنترل فرد هستند و عوامل فردی و درونی بیشتر به خود فرد مرتبط است؛ مثلاً، در نظریهٔ دیکسون، دو متغیر دسترسی و امکان را می‌توان متغیرهایی ساختاری و بیرونی در نظر گرفت؛ چراکه عدم تعادل در تعداد دو جنس در سن ازدواج یا وضعیت نامساعد اقتصادی می‌تواند ازدواج گروهی از افراد را با وجود میل آنها با تأخیر مواجه کند. از طرف دیگر، در نظریهٔ عقلانیت، که براساس آن، افراد به محاسبهٔ سود و زیان خود از ازدواج، تحصیل و اشتغال... می‌پردازند، بیشتر می‌توان نقش عوامل فردی و درونی را تأثیرگذار دانست؛ هرچند در اینجا برآیندی از هر دو عوامل ساختاری و فردی تأثیرگذار هستند.

پیشینهٔ تجربی تحقیق

بررسی پیشینهٔ تحقیق نشان می‌دهد که تحولات زمان‌بندی ازدواج در سنین مختلف، در مطالعات متعدد خارجی و معدودی از مطالعات داخلی در کانون توجه قرار گرفته‌است. این موضوع در مطالعات خارجی، هم با استفاده از ساخت جدول‌های زناشویی (مانند مطالعهٔ افضل و افتخار^۱ (۱۹۷۴) در پاکستان یا مطالعهٔ وی^۲ و همکارانش (۲۰۱۳) در چین) و هم با بررسی مقطعی و نسلی نسبت افراد ازدواج‌کرده یا هرگز ازدواج‌نکرده مورد توجه بوده‌است. در ایران، با وجود مطالعات متعددی که تحولات سن ازدواج و عوامل مؤثر بر آن را بررسی کرده‌اند

1 Afzal & Iftikhar

2 Wei

(محمودیان، ۱۳۸۳؛ کاظمی‌پور، ۱۳۸۳؛ دراهکی و محمودیان، ۱۳۹۱ و...)، مطالعات اندکی زمان‌بندی ازدواج بار اول در سنین مختلف دوره زناشویی را با روش‌های مزبور بررسی کرده‌اند. در ادامه، به مهم‌ترین نتایج برخی مطالعات مرتبط اشاره می‌شود.

تیچمن^۱ و همکارانش (۲۰۰۰) با استفاده از داده‌هایی از منابع مختلف، تغییراتی شامل ترکیب، ثبات اقتصادی و تنوع را در خانواده‌های امریکایی بررسی کردند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که شیوع پیش‌رسی^۲ ازدواج در خانواده‌ها کاهش یافته، سطح انحلال خانواده افزایش یافته و تمایل به هرگز ازدواج‌نکردن نیز بین آنها افزایش یافته‌است. تیچمن و همکارانش تحولات رخ داده را نشان‌دهنده کاهش اهمیت خانواده در امریکا به‌منزله منبع ثبات اقتصادی می‌دانند.

پارکر^۳ و همکارانش (۲۰۱۴) نیز در مطالعه‌ای در امریکا، تغییرات نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده را در بین جوانان ۲۵ ساله و بزرگ‌تر بررسی کردند. آنها دریافتند که طی سال‌های ۱۹۶۰-۲۰۱۲ درصد مجرد افراد ۲۵ ساله و بزرگ‌تر در مردان از ۱۰ به ۲۳ درصد و در زنان از ۸ به ۱۷ درصد افزایش یافته و شکاف زیادی نیز بین مردان و زنان ایجاد شده‌است. در بین چهار گروه سفیدپوست، سیاه‌پوست، آسیایی و اسپانیایی‌زبان، بیشترین افزایش درصد مجرد به سیاهان مربوط بوده‌است. ضمن اینکه، طی این سال‌ها، سهم افراد با تحصیلات بیشتر، در بین افراد هرگز ازدواج‌نکرده افزایش یافته‌است. پارکر و همکارانش بخشی از مطالعه را نیز به بررسی نسلی وضعیت مجرد اختصاص داده‌اند. آنها با محاسبه نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده در سن ۲۵-۳۴، ۳۵-۴۴ و ۴۵-۵۴ سالگی نسل‌ها (تعداد پنج نسل) نشان دادند که در نسل‌های جدید، سهم بیشتری از افراد هرگز ازدواج نمی‌کنند. آنها همچنین در پیش‌بینی نسلی خود تا سال ۲۰۳۰ نیز نشان دادند که جوانان امریکایی درحالی به میانه دهه ۴۰ و ۵۰ زندگی خود می‌رسند که ۲۵ درصدشان ممکن است هرگز ازدواج نکنند. این محققان ضمن اشاره به افزایش درصد زندگی زوجی به‌صورت هم‌خانگی و نیز افزایش موالید خارج از ازدواج، تغییرات نگرشی، وضعیت دشوار اقتصادی و تغییر برخی الگوهای جمعیتی را در افزایش درصد افراد هرگز ازدواج‌نکرده مؤثر می‌دانند.

1 Teachman
2 Early Marriage
3 Parker

یو^۱ (۲۰۱۶) با استفاده از داده‌های سرشماری، مطالعه‌ای با هدف بررسی روند تأخیر در ازدواج در میان زنان در کشور کره انجام داد. او در این مطالعه با انتخاب پنج کوهورت از زنان متولدشده بین سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۸۵ (هر کوهورت شامل یک گروه سنی پنج‌ساله بوده است)، تغییرات نسبت تجرد آنها را بررسی کرد. یو نشان داد که نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده در سن ۳۵ و ۳۹ سالگی، در کوهورت‌های جدیدتر بسیار افزایش یافته و دو الگوی متمایز تأخیر در ازدواج در بین کوهورت‌ها مشاهده می‌شود: یکی در بین کوهورت‌های متولد دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ که با تحولات سیاسی پی‌درپی مانند جنگ جهانی دوم و جنگ کره ملازم بوده‌اند و الگوی دیگر، تأخیر ازدواج در بین متولدان بعد از سال ۱۹۷۰ که نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده آنها در ۴۵ سالگی در حال افزایش است. البته، این دو الگوی تأخیر در ازدواج، با توجه به سطح تحصیلات نیز متفاوت بوده‌است؛ به طوری که معمولاً نسبت تجرد در افراد با سطح تحصیلات عالی بیشتر بوده است.

در ایران، مطالعات کریمی (۱۳۸۶)، نائینی (۱۳۸۷) و نوروزی (۱۳۸۱) از نمونه مطالعاتی هستند که با محاسبه نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده، به صورت مقطعی و گذرا، به بررسی موضوع پرداخته‌اند. نوروزی (۱۳۸۱) نشان داده که طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۸۰، میزان تجرد جمعیت در سن ازدواج، خصوصاً در بین زنان، افزایش یافته و به علاوه، بخشی از جمعیت زنان نیز با مضیقه ازدواج مواجهند. او در تبیین این وضعیت، عدم تعادل بین زنان و مردان آماده ازدواج را مطرح کرده و افزایش سطح تحصیلات زنان و افزایش مهاجرت مردان جوان از روستا به شهر و به خارج از کشور را از عواملی برشمرده که به این عدم تعادل دامن زده‌است.

درودی‌آهی (۱۳۸۰) در مطالعه‌ای اکتشافی، شاخص‌های متعددی از ازدواج زنان و مردان کشور در مقاطع زمانی سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ را بررسی کرده‌است. او در بخشی از مطالعه خود، نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده گروه‌های سنی مختلف را محاسبه کرده و برای سال‌های نام‌برده به ساخت جدول‌های خالص زناشویی نیز اهتمام ورزیده‌است. یافته‌های این محقق مبین افزایش نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده در سن ازدواج در هر دو جنس طی سال‌های مزبور بوده است (در زنان از ۲۷ به ۴۰ درصد و در مردان از ۴۱ به ۴۷ درصد). درودی‌آهی در بخش جدول‌های زناشویی نیز با به تصویر کشیدن تعداد سال‌های انتظار برای ازدواج در

1 Yoo

سنین مختلف زناشویی، نشان داده که طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۷۵ رقم این شاخص برای زمان بدو تولد، در زنان از ۱۷/۷ به ۲۱/۱ سال و در مردان از ۲۰/۹ به ۲۳/۸ سال افزایش یافته‌است. رازقی نصرآباد و رحیمی (۱۳۹۵) نیز با استفاده از ساخت جدول‌های زناشویی، زمان‌بندی ازدواج بار اول زنان و مردان ایرانی را طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ به تفکیک وضع سواد بررسی کردند. یافته‌های آنان نشان داد که طی این دوره پنج‌ساله، رقم شاخص امیدبه‌زندگی همراه با مجرد (تعداد سال‌های انتظار برای ازدواج یا مرگ) در زمان بدو تولد، در مردان باسواد از ۲۵/۶۰ به ۲۶/۳۳ و در زنان باسواد از ۲۳/۵۴ به ۲۴/۱۸ رسیده و در میان مردان بی‌سواد از ۲۴/۵۳ به ۲۵/۷۲ و در زنان بی‌سواد از ۲۱/۳۳ به ۲۲/۹۳ افزایش یافته‌است. یافته‌های این محققان نشان داده که در سال ۱۳۹۰، تعداد سال‌های انتظار برای ازدواج، در کلیه سنین زیر ۳۰ سال، بالاتر از سال ۱۳۸۵ بوده که روند افزایشی درصد ازدواج‌های با تأخیر را نشان می‌دهد. در جمع‌بندی کلی از این بخش، به نظر می‌رسد در ایران، درباب تحولات زمان‌بندی ازدواج در سن ازدواج، خلأهای تحقیقاتی وجود دارد. مطالعات انجام‌شده اندک‌اند، به‌صورت اختصاصی و مبسوط به موضوع نپرداخته‌اند، برای تمام مقاطع زمانی که داده‌های آن موجود است انجام نشده‌اند و به‌روز نیستند. همچنین، به تفکیک مناطق و گروه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی انجام نشده‌اند. بنابراین، لازم است به‌منظور پوشش این خلأها، مجموعه مطالعاتی جامع صورت پذیرد. اتخاذ رویکرد نسلی در بررسی موضوع نیز می‌تواند به شناخت واقع‌بینانه‌تری منجر شود.

مفاهیم، روش و داده‌های تحقیق

طبق تعریف، ازدواج و زناشویی، به تغییر وضع فرد از حالت هرگز ازدواج‌نکرده به حالت ازدواج‌کرده اطلاق می‌شود و افرادی که پس از ازدواج، وضعیت بدون همسر پیدا می‌کنند نیز از نظر آمارهای جمعیتی ازدواج‌کرده محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، افراد از نظر وضع زناشویی، یا ازدواج‌کرده هستند یا مجرد. افراد ازدواج‌کرده نیز به سه گروه دارای همسر، بدون همسر بر اثر فوت همسر و بدون همسر بر اثر طلاق تقسیم می‌شوند (میرزایی، ۱۳۸۶: ۷۷). چنانچه بخواهیم از طریق بررسی وضع زناشویی جمعیت، چگونگی ورود افراد جامعه به ازدواج و تشکیل خانواده را مطالعه کنیم، می‌توانیم به دو صورت عمل کنیم: یکی بررسی چگونگی تغییرات نسبت افراد ازدواج‌کرده در سنین مختلف (مجموع افراد متأهل، بی‌همسر در اثر طلاق و بی‌همسر در اثر فوت همسر) و دیگری، بررسی چگونگی تغییرات نسبت افراد مجرد (هرگز ازدواج‌نکرده) در سنین مختلف. البته، این دو شاخص، مکمل یکدیگرند و با بررسی یکی از آنها می‌توان به هدف مزبور دست یافت. در این مطالعه، به روش دوم عمل شده و داده‌های لازم نیز

از آمارهای مربوط به وضع زناشویی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کشور (سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰) تأمین شده‌است.

همان‌طور که می‌دانیم، روش‌های مقطعی و نسلی، دو روش شناخته‌شده در بررسی وقایع جمعیتی به‌شمار می‌روند. در مطالعه نسلی، یک نسل ثابت، در طول زمان دنبال می‌شود و واقعه یا وقایعی که برای اعضای نسل در مراحل مختلف سنی پیش می‌آید، مشاهده، ثبت و مطالعه می‌شود. پیداست که در این مطالعه طولی، نسل ثابت و زمان متغیر است (سرای، ۱۳۸۱: ۲۱). حال آنکه، در مطالعه مقطعی، به‌جای یک نسل ثابت، نسل‌های مختلف را در حال گذر از یک دوره زمانی ثابت، مشاهده و مطالعه می‌کنیم. بنابراین، برخلاف مطالعه نسلی که در آن نسل ثابت و زمان متغیر است، در مطالعه مقطعی، نسل متغیر و زمان یا، به‌تعبیر دقیق‌تر، دوره زمانی، ثابت است (همان، ۲۸). در مطالعات جمعیت‌شناختی، هم روش مقطعی و هم روش نسلی، هر یک مزیت‌های خاص خود را دارند. در بررسی روند تغییرات وضع تجرد جمعیت، هر چند با روش مقطعی می‌توان تغییرات صورت‌گرفته بین دو یا چند مقطع زمانی را با هم مقایسه و بررسی کرد، به‌طور دقیق مشخص نمی‌شود که در مقطع یا مقاطع زمانی تحت بررسی، سهم و اثرگذاری نسل‌های مختلف در تغییرات رخ داده چگونه بوده یا اینکه کیفیت تغییرات برای نسل‌های مختلف چگونه بوده‌است. از این‌رو در مطالعه حاضر، علاوه بر روش مقطعی، با رویکرد نسلی نیز به بررسی گذار تجرد پرداخته شده‌است.

در تحلیل مقطعی این مطالعه، برای دو مقطع زمانی سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۹۰، نسبت تجرد هر یک از گروه‌های سنی پنج‌ساله زنان و مردان واقع در سن زناشویی (۱۵-۴۹ ساله) محاسبه شده و تحولات شاخص مزبور طی این دوره ۴۵ ساله بررسی شده‌است. در بخش تحلیل نسلی نیز تعداد ده‌نسل (پنج‌نسل از زنان و پنج‌نسل از مردان) از سال‌های مختلف انتخاب شدند و با دنبال کردن چگونگی کاهش نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده آنها، وضعیت زمان‌بندی ازدواجشان مطالعه شده‌است. با توجه به ماهیت داده‌های سرشماری، نسل‌های انتخاب‌شده به‌صورت گروه‌های سنی پنج‌ساله هستند. این نسل‌ها عبارت‌اند از: زنان و مردان متولد سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۴، زنان و مردان متولد سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۴، زنان و مردان متولد سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۴، زنان و مردان متولد سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۴ و همچنین زنان و مردان متولد سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۴. همه این نسل‌ها از سن ۱۵-۱۹ سالگی‌شان وارد مطالعه شده‌اند و چگونگی کاهش نسبت تجرد هر یک از آنها تا سال ۱۳۹۰ دنبال شده‌است. در این مطالعه، تماس مستقیم

با نسل‌ها صورت نگرفته و امکان بررسی نگرش‌های آنان در باب ازدواج نیز وجود نداشته‌است؛ تنها با استفاده از داده‌های موجود، رفتار آنها از نظر زمان‌بندی ازدواج بررسی شده‌است. لازم است یکی از محدودیت‌های بررسی نسلی این مطالعه را در نظر بگیریم؛ اینکه احتمال دارد نسبت مجرد محاسبه‌شده در هر نسل در مقاطع زمانی مختلف، تحت تأثیر دو واقعه «مرگ‌ومیر» یا «مهاجرت به داخل و خارج کشور» آن نسل قرار گرفته باشد؛ چراکه دقیقاً مشخص نیست این دو واقعه، بیشتر برای کدام گروه (افراد مجرد یا افراد متأهل) از یک نسل رخ داده‌است. فرض مطالعه این است که در هر نسل، احتمال رخداد دو واقعه مزبور برای افراد مجرد و متأهل یکسان بوده‌است.

در این مطالعه، تغییرات شاخص «درصد مجرد قطعی» مردان و زنان نیز به‌اجمال بررسی شده‌است که منظور، درصد کسانی است که اصلاً ازدواج نمی‌کنند. سنین نزدیک به ۵۰ سالگی برای تعیین شاخص مجرد قطعی مناسب است (میرزایی، ۱۳۸۶: ۸۴).

یافته‌ها

الف. تحلیل مقطعی وضعیت مجرد مردان و زنان

در این بخش از مطالعه، با محاسبه نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده هر یک گروه‌های سنی پنج‌ساله زنان و مردان در مقطع زمانی سال ۱۳۴۵، وضعیت مجرد آنها در این سال بررسی می‌شود. سپس، با به‌تصویر کشیدن چگونگی تحولات این شاخص در هر دو جنس، طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۹۰، وضعیت مجرد هر دو جنس در مقطع زمانی سال ۱۳۹۰ تشریح و مقایسه می‌شود.

نمودار ۱، نسبت زنان و مردان مجرد (هرگز ازدواج‌نکرده) جامعه در گروه‌های سنی پنج‌ساله در سال ۱۳۴۵ را نشان می‌دهد. در این سال، در گروه سنی ۱۵-۱۹ سال، اکثر مردان (۹۴/۳ درصد) مجرد بوده‌اند؛ در حالی که این وضعیت در زنان متفاوت بوده و با ازدواج ۴۶/۸ درصد آنها تا قبل از ۱۵ سالگی، نسبت مجرد آنها در سن ۱۵-۱۹ سال برابر با ۵۳/۲ درصد بوده‌است. بنابراین، اولین نکته، تفاوت ۴۱/۱ درصدی زنان و مردان مجرد در گروه سنی مزبور در سال ۱۳۴۵ است. البته، این تفاوت در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله به ۵۴/۹ درصد نیز می‌رسد. از این پس و تا حدود ۳۰ سالگی، این تفاوت بسیار کم شده و از ۳۵ سالگی به بعد نیز، هر چند درصد مردان مجرد از زنان مجرد بیشتر بوده، رقم آن به یکدیگر بسیار نزدیک شده‌است (۰/۸ درصد در زنان و ۱/۵ درصد در مردان در گروه سنی ۴۵-۴۹ سال که معادل رقم مجرد قطعی

آنها نیز هست). شکل شیب کاهشی نمودار مردان و زنان نشان می‌دهد که در این سال، کاهش درصد مجردها از یک گروه سنی به گروه سنی بعد در هر دو جنس به‌گونه‌ای نسبتاً مشابه طی شده، اما این کاهش در مردان، در مقایسه با زنان، با تأخیر صورت گرفته‌است. توضیح اینکه در این سال، اکثر زنان (بیش از ۸۵ درصد) تا قبل از رسیدن به حدود ۲۵ سالگی ازدواج می‌کرده‌اند و مردان نیز با وجود شروع دیرتر نسبت به زنان، تلاش می‌کرده‌اند تا قبل از رسیدن به حدود ۳۰ سالگی اقدام به ازدواج کنند (بیش از ۷۰ درصد مردان). نتیجه اینکه، در سال ۱۳۴۵، اقدام به ازدواج و تشکیل خانواده در سنین پایین، برای اکثر قریب به اتفاق زنان و مردان جامعه رایج بوده‌است.

اما، طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۹۰ شاهد تحول قابل ملاحظه وضعیت زناشویی جمعیت در سن ازدواج کشور هستیم (به نمودار ۲ و ۳ نگاه کنید). این تحول به صورت افزایش درصد افراد هرگز ازدواج نکرده در تمام گروه‌های سنی دو جنس رخ داده‌است؛ البته، همان طور که مشاهده می‌شود، این تحولات در مردان و زنان متفاوت با هم و در زنان اساسی‌تر بوده‌است. در مردان، افزایش نسبت مجردهای گروه‌های سنی مختلف به صورتی نسبتاً متوازن اتفاق افتاده‌است. چنین حالتی باعث شده که نمودار کاهشی نسبت مردان مجرد از یک گروه سنی به گروه سنی بعد، در هر دو سال شباهت زیادی به یکدیگر داشته باشد. اما، در زنان، افزوده شدن ۲۵/۳ درصد بر مجردهای گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله، که از کاهش پیش‌رسی^۱ ازدواج در زنان نشان دارد، و نیز افزوده شدن مقادیر بالا بر درصد مجردها در گروه‌های سنی بعد، باعث شده که در سال ۱۳۹۰، کاهش درصد مجردها از شکلی نسبتاً تدریجی و متوازن برخوردار شود و در مقایسه با سال ۱۳۴۵، کاهش سریع آن تا حدود ۳۵ سالگی دیگر به چشم نخورد.

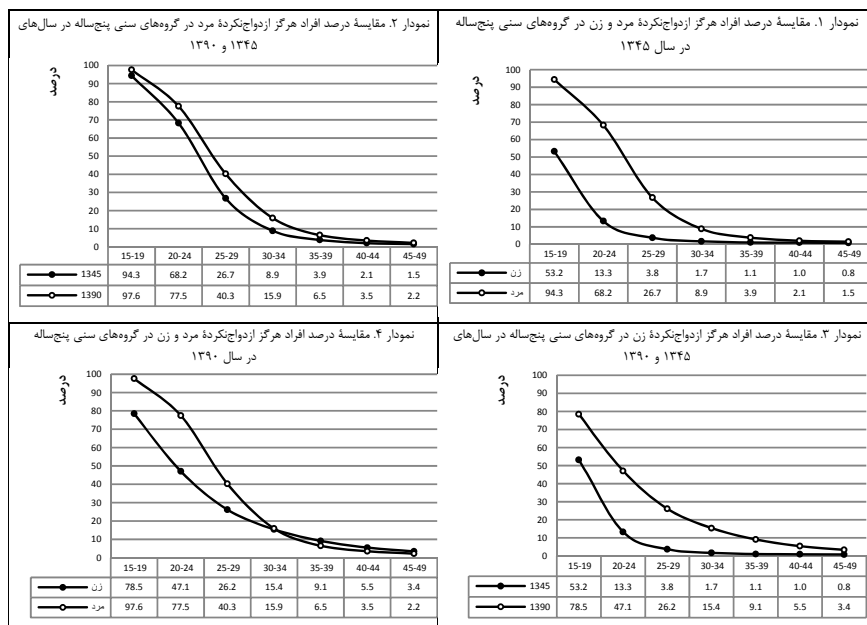
با این تحولات، در مجموع، شاهد نزدیک‌تر شدن رفتار ازدواجی زنان به مردان تا سال ۱۳۹۰ هستیم (به نمودار ۱ و ۴ نگاه کنید). البته، همان طور که مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۴۵، در تمام گروه‌های سنی، نسبت افراد هرگز ازدواج نکرده در زنان کمتر از مردان بوده، اما در سال ۱۳۹۰، از گروه سنی ۳۰-۳۴ سال به بعد، درصد تجرد زنان از مردان پیشی گرفته‌است. نکته مهم اینکه، نسبت تجرد قطعی زنان از مردان بیشتر شده و با ۲/۶ درصد افزایش، به ۳/۴ درصد رسیده‌است؛ این در حالی است که رقم این شاخص در مردان، تنها ۰/۷ درصد افزایش یافته و به

۱ این شاخص، درصد مجردها در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله را نشان می‌دهد. هرچه این شاخص در جامعه‌ای بیشتر باشد، پیش‌رسی ازدواج آن جامعه کمتر است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۴۷).

۲/۲ درصد رسیده است. به نظر می‌رسد پیشی گرفتن نسبت زنان مجرد از گروه سنی ۳۰-۳۴ به بعد، از تغییرات نگرشی زنان مجرد، مبنی بر ازدواج در سن بالاتر یا عدم ازدواج متأثر نیست؛ چراکه فرهنگ مرتبط با ازدواج در ایران هنوز به گونه‌ای نیست که در یک گروه سنی، تمایل به عدم ازدواج زنان بیشتر از مردان باشد. به نظر می‌رسد علت یا عوامل احتمالی، از بیرون بر زنان این گروه‌های سنی تحمیل شده باشد. هرچند در این مطالعه نمی‌توان با اطمینان از این عوامل صحبت کرد، احتمالاً آنها را باید در ارتباط با مردان جست‌وجو کرد.

با توجه به تغییرات اساسی تر وضعیت زناشویی زنان، در ادامه، نسبت زنان هرگز ازدواج‌نکرده به تفکیک سال‌های مختلف سرشماری در جدول ۱ ارائه شده است که به برخی نکات مهم آن می‌توان اشاره کرد: در مجموع، در دوره تحت بررسی، پیش‌رسی ازدواج زنان به‌طور محسوسی کاهش یافته، اما طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ و نیز ۱۳۸۵-۱۳۹۰ شاهد روند صعودی اندک این شاخص هستیم. سریع‌ترین روند کاهش این شاخص نیز بین سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۵ و همچنین سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۵ اتفاق افتاده است. تجرد قطعی زنان روندی افزایشی داشته و بیشترین رقم آن در سال ۱۳۹۰ به ثبت رسیده است که در مقایسه با سال‌های قبل از آن درخور توجه است.

تحلیل گذار تجرد زنان و مردان در ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰



منبع: محاسبه‌شده براساس نتایج سرشمای‌های عمومی نفوس و مسکن کشور (۱۳۴۵-۱۳۹۰).

نکات جالب‌توجهی نیز در جدول ذیل به چشم می‌خورد؛ ازجمله اینکه در سال ۱۳۴۵، نسبت تجرد ۳/۸ درصدی زنان به گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله تعلق داشته، درحالی‌که در سال ۱۳۹۰، حدود این رقم (۳/۴ درصد) در گروه سنی ۴۵-۴۹ ساله مشاهده می‌شود؛ یا اینکه وضعیت تجرد زنان ۳۰-۳۴ ساله در سال ۱۳۹۰ تقریباً شبیه وضعیت تجرد زنان ۲۰-۲۴ ساله در سال ۱۳۴۵ است.

جدول ۱. درصد زنان مجرد در گروه‌های مختلف سنی طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۹۰

سال	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵
۱۵-۱۹ ساله	۷۸/۵	۸۲/۳	۸۱/۴	۶۴/۱	۶۵/۷	۵۳/۲
۲۰-۲۴ ساله	۴۷/۱	۴۹/۲	۳۹/۳	۲۵/۶	۲۱/۴	۱۳/۳
۲۵-۲۹ ساله	۲۶/۲	۲۳/۸	۱۴/۸	۹/۴	۶/۸	۳/۸
۳۰-۳۴ ساله	۱۵/۴	۱۱/۵	۶/۴	۴/۵	۲/۷	۱/۷
۳۵-۳۹ ساله	۹/۱	۶/۱	۳/۳	۲/۷	۱/۳	۱/۱
۴۰-۴۴ ساله	۵/۵	۳/۵	۱/۹	۱/۹	۱/۰	۱/۰
۴۵-۴۹ ساله	۳/۴	۲/۲	۱/۳	۱/۵	۰/۸	۰/۸

منبع: محاسبه‌شده بر اساس نتایج سرشمای‌های عمومی نفوس و مسکن کشور (۹۰-۱۳۴۵).

تا این بخش از مطالعه، چگونگی وضعیت مجرد مردان و زنان در مقاطعی از زمان مشخص شد، اما باید توجه داشت که تغییرات رخ داده از مقطعی تا مقطع دیگر، در رفتار ازدواجی نسل‌های مختلف جامعه و واکنش این نسل‌ها به تغییرات اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی جامعه ریشه دارد و این رفتارها و واکنش‌ها می‌تواند از نسلی به نسل دیگر متفاوت باشد. در ادامه بحث، دگرگونی‌های وضعیت مجرد مردان و زنان به صورت نسلی نیز بررسی می‌شود.

ب. تحلیل نسلی گذار مجرد مردان و زنان

در این بخش، ده نسل از زنان و مردان متولد سال‌های مختلف، از ۱۵-۱۹ سالگی شان وارد مطالعه شده‌اند و چگونگی گذار مجرد آنها تا سال ۱۳۹۰ بررسی شده است. این نسل‌ها قبلاً و در بخش روش‌شناسی نام برده شدند. قدیمی‌ترین نسل وارد شده به مطالعه را مردان و زنان متولد سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۴ تشکیل داده که تا انتهای دوره بررسی (سال ۱۳۹۰) در سن ۶۰-۶۴ سالگی به سر می‌برده‌اند. جدیدترین نسل وارد شده به مطالعه را نیز مردان و زنان متولد سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۴ تشکیل داده‌اند که تا انتهای دوره بررسی در سن ۲۰-۲۴ سالگی قرار داشته‌اند.

با توجه به اینکه تفاوت رفتار نسل‌ها از جمله در موضوع ازدواج، در بستر و زمینه‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت جامعه در طول زمان شکل می‌گیرد،^۱ بهتر است ابتدا درباره زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه، مقارن با این نسل‌ها، توضیحاتی کلی داده شود. تشریح این زمینه‌ها می‌تواند به درک بهتر تفاوت‌های نسلی وضعیت مجرد کمک کند. البته، در این مختصر، هر یک از این زمینه‌ها را نمی‌توان به طور دقیق و اختصاصی به نسل یا نسل‌هایی خاص ارتباط داد و فرض بر این است که هر زمینه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی، بر مجموعه رفتارهای یک نسل یا برخی نسل‌ها (با توجه به هم‌زمانی نسبی) اثرگذاری بیشتری داشته است.

نسل‌های متولد سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۴ و ۱۳۴۰-۱۳۴۴ نسل‌هایی هستند که شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای ازدواجی آنها را تقریباً می‌توان ملازم با تحولات جامعه در مقطع زمانی سال ۱۳۴۲ و کمی بعد از آن دانست. در این زمان، وقوع اتفاقاتی نظیر اجرای برنامه اصلاحات

۱ حوادث و اتفاقاتی از قبیل انقلاب، جنگ، انقلاب اطلاعاتی، توسعه سیاسی، اصلاحات ارضی و... از جمله تجربیات نسل‌های اخیر به شمار می‌روند و وقوع چنین حوادث و رویدادهایی بر ذهن و نگرش اعضای نسل‌ها تأثیر گذاشته است؛ به نحوی که اعضای نسل‌ها با تأثیرپذیری از چنین اتفاقات و رویدادهایی، ابعاد زندگی خود را تعریف و بازتعریف کرده و سامان داده‌اند (سرابی و اوچاقلو، ۱۳۹۲: ۳۸).

ارضی، به تولید و بازتولید نسلی انجامید که در آن زمین، کار و تولید - که همگی تجلی ارزش‌های خانواده گسترده بودند- به عناصر ارزشمندی تبدیل شدند. در چنین نسلی خانواده گسترده اهمیت داشته و ازدواج برپایه برخی سنت‌ها و تعهدات و الزامات و به‌صورت قانونی و رسمی انجام می‌شده‌است. در آن زمان، ازدواج‌ها تصمیم اقتصادی بودند تا عاطفی، و الزامات اقتصادی عامل ازدواج بودند (سرایبی و اوجاقلو، ۱۳۹۲: ۳۸). نسل‌های متولد سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۴، نسل‌هایی هستند که می‌توان شکل‌گیری نگرش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده آنها را از وقایع انقلاب اسلامی و جنگ و نیز تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از آن متأثر دانست.

وقایع این دوره، منتج به نسلی می‌شود که تحت تأثیر فضای انقلاب، هم‌سو با ارزش‌های خانواده و ازدواج است. انقلاب اسلامی نسلی را با خود به همراه می‌آورد که بر ارزش‌های فرهنگی و خانوادگی تأکید دارد و به‌ویژه در سال‌های اول بعد از انقلاب، این تأکید شدید بوده و رفتارها و نگرش‌ها تحت تأثیر باورهای دینی و مذهبی بوده است (همان).

اما دو نسل متولد سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۴ و ۱۳۷۰-۱۳۷۴ (خصوصاً متولدان سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۴) نسل‌هایی با تجربه‌های کاملاً جدید هستند.

این نسل‌ها تجربه تاریخی و اجتماعی کاملاً متفاوتی را تجربه کرده و می‌کنند؛ در نسل‌های بعد از جنگ، شرایط حاکم بر ارزش‌های خانواده و ازدواج، شرایط تجربه جهانی شدن و همراهی با فناوری‌های اطلاعاتی همچون اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای است. ... نسل‌های اخیر، به‌واسطه تجربه جهانی شدن، کمترین تمایل و گرایش را به ارزش ازدواج داشته‌اند (همان، ۲۲).

در ادامه بحث، با توجه به شکل‌گیری فضایی ذهنی از وضعیت زمینه‌ای نسل‌های واردشده به مطالعه، تحولات نسلی وضعیت تجرد را بررسی می‌کنیم.

نمودار ۵، تحولات نسلی نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده را نشان می‌دهد. در این نمودار، از سمت چپ به راست و با پیشرفت زمان (از سال ۱۳۴۵ الی ۱۳۹۰)، شاهد ورود نسل‌های جدیدتری هستیم که نسبت به نسل‌های قبل از خود، رفتار ازدواجی متفاوتی داشته‌اند. از جمله نکات اساسی این است که هم در زنان و هم در مردان، هرچه از نسل‌های قدیمی به سمت نسل‌های جدید پیش می‌رویم، بر درصد تجرد در «سنین متناظر» نسل‌ها افزوده می‌شود. برای مثال، زنان متولد سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۴ در ۲۵-۲۹ سالگی‌شان (در سال ۱۳۷۵)، دارای ۱۴/۸

درصد مجرد بوده‌اند؛ درحالی‌که ۲۳/۸ درصد زنان متولد سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۴ در همین سنین (در سال ۱۳۸۵) مجرد بوده‌اند (۹ درصد تفاوت). البته، بیشترین روند افزایشی درصد مجرد در سنین متناظر، به ۱۵-۱۹ سالگی زنان تعلق دارد. نمودار ۵ به‌خوبی نشان می‌دهد که ۵۲/۲ درصد زنان متولد سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۴ در این سنین مجرد بوده‌اند؛ درحالی‌که در زنان متولد سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۴ این رقم به ۸۲/۳ درصد رسیده‌است (۲۹/۱ درصد افزایش). نکته مهم اینکه در سال ۱۳۶۵ این موضوع در هردو جنس برعکس بوده و در این سال شاهد کاهش درصد مجرد نسل‌ها درمقایسه با سنین متناظر در نسل‌های قبلی هستیم (به‌جز زنان متولد سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۴ که شاهد افزایش این شاخص بوده‌اند). به‌طور کلی، در نسل‌های جدید شاهد تأخیر در ورود به ازدواج هستیم. این تأخیر باعث شده که شکل کاهش نمودار درصد مجردها در نسل‌های جدیدتر، نسبت به نسل‌های قبلی شیب ملایم‌تری داشته باشد (به نمودار ۵ نگاه کنید).

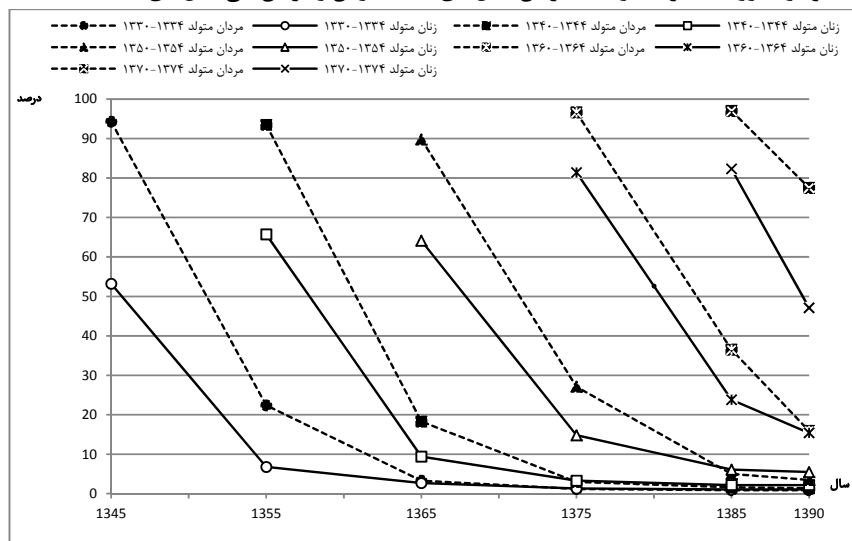
تحول دیگری که در گذر به نسل‌های جدید شاهد آن هستیم، به درصد مجرد قطعی مربوط است؛ به‌نحوی‌که در هردو جنس، هرچه از نسل‌های گذشته به نسل‌های جدید پیش می‌رویم، بر رقم این شاخص افزوده می‌شود. در نمودار ۵، وقتی متولدان ۱۳۳۰-۱۳۳۴ از هردو جنس را مبنا قرار می‌دهیم، افزایش رقم این شاخص را برای متولدان ۱۳۴۰-۱۳۴۴ و متولدان ۱۳۵۰-۱۳۵۴ مشاهده می‌کنیم. درباب متولدان سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۴ و ۱۳۷۰-۱۳۷۴ هنوز نمی‌توان با قطعیت قضاوت کرد، اما انتظار می‌رود مجرد قطعی این نسل‌ها در رقم بالاتری به ثبت برسد. نکته مهم اینکه، روند افزایشی درصد مجرد قطعی از نسل‌های قدیمی به نسل‌های جدیدتر به‌صورت یک‌نواخت و ثابت صورت نمی‌گیرد، بلکه تقریباً تصاعدی رخ می‌دهد. به‌عبارتی، با گذر از نسلی به نسل بعدی، بر تفاوت درصد مجرد قطعی بین نسلی افزوده می‌شود (به نمودار ۵ نگاه کنید).

نکته مهم دیگر این است که در نسل‌های جدید، سهم ازدواج‌های بار اول، که در نزدیکی سن مجرد قطعی (۵۰ سالگی) رخ می‌دهند، درحال افزایش است. در زنان و مردان متولد سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۴ و ۱۳۴۰-۱۳۴۴، درصد افراد هرگز ازدواج‌نکرده، تقریباً در ۴۰ سالگی به حداقل رسیده و معمولاً از این سن به بعد، کاهش چندانی در رقم آن رخ نداده‌است، اما در متولدان سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۴ به‌دلیل شیوع بیشتر ازدواج‌های متأخر، روند کاهش درصد افراد هرگز ازدواج‌نکرده، بعد از ۴۰ سالگی نیز ادامه دارد. در متولدان سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۴، با توجه به ملایم‌تر شدن شیب نمودار کاهش درصد مجرد تا ۳۰-۳۴ سالگی (تا سال ۱۳۹۰) و

تحلیل گذار تجرد زنان و مردان در ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

اینکه در مقایسه با نسل‌های قبل، در این سنین درصد تجرد نسبتاً بالاتری دارند، با کمی احتیاط، می‌توان کاهش درصد تجرد بعد از ۴۵ سالگی را نیز برای این نسل پیش‌بینی کرد. چنین روندی برای متولدین سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۴ نیز، با احتیاط بیشتر، قابل تصور است. می‌توان نتیجه گرفت که در نسل‌های قدیمی‌تر، افرادی که قصد ازدواج داشتند، تا قبل از ۴۰ سالگی ازدواج می‌کردند و احتمال ازدواج مجردها از این سن به بعد بسیار پایین بود، اما در نسل‌های جدیدتر، با توجه به تأخیری که در ازدواج‌ها به وجود می‌آید، احتمال ازدواج بعد از ۴۰ سالگی نیز وجود دارد.

نمودار ۵. روند تغییرات درصد مجردان نسل‌های مختلف زنان و مردان طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۵



منبع: محاسبه شده بر اساس نتایج سرشمای‌های عمومی نفوس و مسکن کشور (۹۰-۱۳۴۵).

موضوع مهم دیگر، به روند روبه‌هم‌گرایی نسبت تجرد نسل‌های هم‌دوره مردان و زنان مربوط می‌شود که البته این هم‌گرایی در نسل‌های جدید بیشتر شده است. توضیح اینکه، در سنین اولیه ازدواج هر کدام از نسل‌های هم‌دوره (۱۵-۱۹ سالگی)، درصد زنان مجرد بسیار پایین‌تر از درصد مردان مجرد است (به دلیل ازدواج درصد قابل توجهی از زنان تا قبل از ۱۵ سالگی)، اما با گذشت زمان و افزایش سن نسل‌های هم‌دوره، درصد تجرد مردان با شدت بیشتری کاهش می‌یابد و در مقطعی از زمان، درصد مردان مجرد به درصد زنان مجرد رسیده و در رقم خاصی

برابر می‌شوند (به نمودار ۵ نگاه کنید: نقطه تلاقی دو نسل هم‌دوره). در سه نسل اول (متولدان ۱۳۳۰-۱۳۳۴، ۱۳۴۰-۱۳۴۴ و ۱۳۵۰-۱۳۵۴)، بعد از این برابری، درصد تجرد زنان تقریباً ثابت باقی مانده است، اما درصد تجرد مردان با روندی بسیار آهسته به کاهش خود ادامه می‌دهد و در رقیمی پایین‌تر از زنان به حد ثابت می‌رسد. با نگاه دقیق به نمودار ۵ می‌بینیم که هرچه از نسل‌های قدیمی‌تر به سمت نسل‌های جدیدتر پیش می‌رویم، چهار تغییر در وضعیت تجرد "نسل‌های هم‌دوره" رخ می‌دهد: اول اینکه، درصد تجرد مردان و زنان در سنین اولیه ازدواج (۱۵-۱۹ سالگی) در حال نزدیک شدن به یکدیگر است؛ دوم اینکه، درصد تجرد مردان و زنان در دوره زمانی کوتاه‌تری به برابری با یکدیگر می‌رسد؛ سوم اینکه، اختلاف درصد تجرد قطعی مردان و زنان بیشتر می‌شود؛ و چهارم اینکه، با وجود برخی تفاوت‌ها، شکل کاهشی درصد تجرد زنان به سمت هم‌گرایی با مردان پیش می‌رود. در جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت اگرچه نسل‌های جدید مردان، نسبت به نسل‌های قبل، شاهد افزایش درصد تجرد در سنین مختلف بوده‌اند، این وضعیت در نسل‌های زنان با شدت بیشتری رخ داده است؛ به نحوی که با گذر زمان، وضعیت تجرد زنان تا حدودی به وضعیت تجرد مردان نزدیک شده است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

طی سال‌های اخیر، موضوع افزایش سن ازدواج در ایران، علاوه بر فضای رسانه‌ای، در مطالعات متعددی نیز مطرح شده است و حتی برخی محققان و صاحب‌نظران، آن را مسئله اجتماعی قلمداد کرده‌اند. برآیند کلی این گفتمان در سال‌های اخیر را می‌توان در سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده مشاهده کرد که بندهایی از آنها به‌طور اختصاصی در جهت کاهش سن ازدواج، و تسهیل و ترویج تشکیل خانواده تدوین شده است. آمارهای موجود، افزایش سن ازدواج در کشور را تأیید می‌کنند، اما برای تدوین سیاست‌های هدفمند، لازم است مطالعات دقیق‌تری برای زمان‌بندی ازدواج صورت گیرد. به‌منظور برطرف شدن بخشی از خلأهای تحقیقاتی در این زمینه، مطالعه پیش‌رو به بررسی چگونگی گذار تجرد در ایران طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۹۰ با دو رویکرد مقطعی و نسلی پرداخته است.

نتایج بررسی مقطعی نشان داد که در سال ۱۳۴۵، الگوی سنی ازدواج مردان و زنان کاملاً با هم متفاوت بوده و نسبت افراد هرگز ازدواج‌نکرده در زنان در تمام گروه‌های سنی از مردان کمتر بوده است. البته، این تفاوت در سنین اولیه ازدواج بسیار چشمگیر بوده است، به نحوی که در گروه سنی ۱۵-۱۹ سال، که سنین ابتدایی ازدواج به‌شمار می‌رود، فقط ۵۳/۲ درصد زنان مجرد باقی مانده بودند، در حالی که این نسبت در مردان بیش از ۹۴ درصد بوده است. در این سال،

چنین تفاوتی، دست‌کم در سه گروه سنی بعد نیز به چشم می‌خورد. اما، تا سال ۱۳۹۰، وضعیت تغییر کرده‌است. تا این سال، هرچند نسبت مجردهای تمام گروه‌های سنی دو جنس افزایش یافته، این افزایش در زنان به اندازه‌ای بوده که در سه گروه سنی اول، اختلاف نسبت مجردهای دو جنس حدوداً به نصف کاهش یافته و ضمن برابری رقم آن در ۳۰-۳۴ سالگی، از این سن به بعد، نسبت تجرد زنان از مردان پیشی می‌گیرد. با توجه به اینکه تحول نسبت تجرد گروه‌های مختلف سنی از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۹۰ از تحول نسبت تجرد نسل‌های مختلفی متأثر است که از این دوره زمانی عبور کرده‌اند، جهت شناخت بهتر و امکان تحلیل تحولات لازم بود چگونگی گذار تجرد تعدادی از نسل‌های حاضر در این دوره نیز جداگانه بررسی شود. به همین منظور، ده نسل از زنان و مردان انتخاب شد.

نتایج بررسی نسلی نشان داد که زمان بندی ازدواج از نسلی به نسل بعدی تغییر کرده و این تغییرات در جدیدترین نسل‌ها درخور توجه است. نسل مردان و زنان متولد سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۴ افرادی هستند که اکثر آنها تا قبل از ۴۰ سالگی ازدواج کرده‌اند و درصد افراد هرگز ازدواج نکرده آنها به ارقام حداقلی رسیده‌است و در آستانه ۵۰ سالگی نیز، که سن تجرد قطعی به‌شمار می‌رود، فقط در حدود ۱ درصد هر دو جنس این نسل هرگز ازدواج نکرده باقی مانده‌اند. به علاوه، ازدواج حدود نیمی از زنان این نسل تا ۱۵-۱۹ سالگی گواه بر اهمیت ازدواج در بین این نسل است. نسل زنان و مردان متولد سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۴ نیز تجارب تقریباً مشابهی با نسل قبلی خود دارند. درصد قابل توجهی (۳/۳۴ درصد) از زنان این نسل، تا ۱۵-۱۹ سالگی ازدواج کرده‌اند. تا ۴۰ سالگی نیز اکثر قریب به اتفاق آنها ازدواج کرده و تنها در حدود ۱/۵ درصد مردان و ۲ درصد زنان در حالت تجرد قطعی باقی مانده و ازدواج نکرده‌اند. در واقع، این دو نسل‌هایی هستند که ازدواج و تشکیل خانواده نزد آنها از ارزش زیادی برخوردار بوده‌است. ملازم با سنین ازدواج این نسل‌ها، خانواده هنوز تا حد زیادی گسترده بوده و ازدواج نوعی تکلیف و در راستای منافع کل خانواده بوده‌است. سرایی و اوجاقو ازدواج در این مقاطع زمانی را نوعی تصمیم اقتصادی می‌دانند تا عاطفی (۱۳۹۲: ۳۸). از این رو، ازدواج در سن پایین‌تر و نیز عمومیت ازدواج در این نسل‌ها پیش‌بینی پذیر است.

نسل متولدان سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۴ زنان و مردانی هستند که نسبت تجردشان در ۱۵-۱۹ سالگی (در مقطع سال ۱۳۶۵) اندکی کمتر از نسل قبل است (۱/۶۴ درصد در زنان و ۱/۸۹ درصد در مردان) که در نوع خود جالب توجه به‌شمار می‌رود. به نظر می‌رسد واقعه انقلاب اسلامی و وقوع جنگ و در پس آنها، بازتولید و تقویت ارزش‌های فرهنگی و مذهبی، که خصوصاً

بر ساده‌زیستی تأکید دارد، زمینه‌هایی را ایجاد کرده که ازدواج و تشکیل خانواده در این سال‌ها اهمیت بیشتری یافته‌است. از این‌رو، شاهد ازدواج نسبت بیشتری از این نسل در سنین ابتدایی ازدواج در مقایسه با نسل قبل هستیم. البته، با گذر زمان و فاصله گرفتن از این دوره زمانی، شاهد این هستیم که نسبت مجردهای این نسل در ۲۵-۲۹ سالگی (در سال ۱۳۷۵) در مقایسه با همین سنین از نسل قبل، ارقام بالاتری دارد. علاوه بر این، نسبت مجردان هر دو جنس این نسل در ۴۰ سالگی و حتی تا آستانه سن مجرد قطعی نیز با تفاوتی نسبتاً قابل توجه، در مقایسه با نسل قبل، در رقمی بالاتر مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد این نسل، با وجود تأثیرپذیری اولیه از اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب و جنگ، با ورود جامعه به روند مدرنیزاسیون و اوضاع اقتصادی و اجتماعی جدید، از این وضعیت نیز تأثیر پذیرفته‌است.

اما، درباره متولدان سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۴ تا حدودی می‌توان از شکاف نسلی ازدواج صحبت کرد (خصوصاً برای زنان این نسل). درصد افراد هرگز ازدواج نکرده زنان این نسل در ۱۵-۱۹ سالگی، بیش از سه نسل گذشته به مردان نزدیک شده و به‌طور کلی، پیش‌رسی ازدواج زنان و مردان این نسل، در مقایسه با سه نسل قبل و خصوصاً یک نسل قبل از خود، کاهش چشمگیری به خود دیده‌است. افزایش نسبت مجردهای این نسل در سنین بعدی نیز قابل ملاحظه است و، برخلاف نسل‌های قبل که نسبت مردان و زنان مجرد در ۳۵ تا ۳۹ سالگی به برابری رسیده، این اتفاق برای این نسل در ۳۰ تا ۳۴ سالگی افتاده‌است (در سال ۱۳۹۰). اگرچه هنوز داده‌هایی از وضعیت مجرد این نسل بعد از سال ۱۳۹۰ در دسترس نیست، براساس روندهای طی شده، پیش‌بینی می‌شود در افراد ۳۰-۳۴ ساله این نسل، نسبت زنان هرگز ازدواج نکرده به‌طور قابل ملاحظه‌ای از مردان پیشی بگیرد و درصد مجرد قطعی آنان نیز تا حد زیادی از مردان بیشتر شود. متولدان سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۴ نسلی هستند که نسبت مجردانشان در ۱۵-۱۹ سالگی، در مقایسه با نسل قبل، فقط اندکی افزایش یافته‌است. البته، پیش‌بینی پذیر است که پس از رسیدن مجردان به نسبتی بالا در این سنین، افزایش آن برای نسل‌های بعد به‌کندی صورت پذیرد. با احتیاط زیاد، می‌توان پیش‌بینی کرد که این نسل در ازدواج خود روند تأخیری بیشتری در پیش بگیرد. در تحلیل کلی، می‌توان گفت متولدان ۱۳۶۰-۱۳۶۴ و خصوصاً متولدان ۱۳۷۰-۱۳۷۴ نسل‌هایی هستند که بیش از نسل‌های قبل در مسیر جهانی شدن، مدرنیزاسیون و ارزش‌های حاکم بر آنها قرار گرفته‌اند. اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده نزد این نسل‌ها به پررنگی نسل‌های قبل نیست و به تأخیر انداختن ازدواج و حتی افزایش مجردهای قطعی در بین آنها تا حدودی دور از انتظار نیست.

نتایج این مطالعه، در مجموع، مؤید یافته‌های مطالعه محمودیان (۱۳۸۳) و کاظمی‌پور (۱۳۸۳) است، که نشان داده‌اند سن ازدواج در ایران، به‌خصوص در زنان، در حال افزایش است. این نتایج با مطالعه کریمی (۱۳۸۶)، نائینی (۱۳۸۷) و نوروزی (۱۳۸۱)، که در مقاطعی محدود، وضعیت تجرد در ایران را بررسی کرده‌اند هم‌خوانی دارد و همچنین بر یافته‌های درودی‌آهی (۱۳۸۰) و رازقی نصرآباد و رحیمی (۱۳۹۵)، که زمان‌بندی ازدواج در سنین مختلف زناشویی را با استفاده از ساخت جدول‌های زناشویی بررسی کرده‌اند، کاملاً منطبق است.

در مجموع، تفاوت‌های رفتار ازدواجی نسل‌های تحت بررسی، تا حدودی، از دریچه نظریه‌های مطرح در این مطالعه تعبیر و تفسیر پذیرند. می‌توان گفت نسل‌های جدید، در مقایسه با نسل‌های قدیمی، بیشتر در معرض مؤلفه‌های نوسازی از قبیل تحصیلات، اشتغال و شهرنشینی قرار گرفته‌اند. این مؤلفه‌ها شیوه‌های مدرن و متفاوتی از زندگی از جمله ازدواج در سن بالاتر را ایجاد می‌کنند. برای نسل‌های قدیمی، هم‌زمان با ورود به سن ازدواج، گزینه‌های تصمیم‌گیری و انتخاب زیادی نمی‌توان قائل بود؛ در حالی که نسل‌های جدید در این سن فرصت‌های دیگری از جمله تحصیل، کار و اشتغال و... نیز دارند که می‌توانند به انتخاب عقلانی دست بزنند و تصمیماتی بگیرند که در نهایت نفع بیشتری عایدشان شود؛ مثلاً نسل‌های کنونی دختران می‌توانند با ادامه تحصیل، به جای ازدواج در سن پایین، آینده بهتری برای خود فراهم کنند. البته، باید در نظر داشت که روند تأخیری ازدواج، خصوصاً در نسل‌های اخیر زنان، تنها متأثر از عوامل نوسازی و انتخاب عقلانی نبوده و عوامل دیگری نیز دخیل‌اند؛ برای مثال، کاظمی‌پور (۱۳۸۳) مسائل و مشکلات اقتصادی و بیکاری (دیکسون از این نوع متغیرها به‌منزله متغیرهای «امکان» نام می‌برد) و همچنین فزونی تعداد دختران آماده ازدواج در مقابل تعداد پسران آماده ازدواج (دیکسون از این نوع متغیرها به‌منزله متغیرهای «دسترسی» نام می‌برد) را از عوامل محدودکننده ازدواج برخی نسل‌های زنان نام برده‌است. در نهایت، باید گفت که زمان‌بندی ازدواج هر یک از نسل‌های تحت بررسی، تحت تأثیر مجموعه‌ای از «عوامل ساختاری و بیرونی» و نیز «عوامل فردی و درونی» قرار داشته و دارد که شناخت دقیق آنها نیازمند تحقیقاتی جامع در این زمینه است.

به‌طور کلی، نتایج نشان داد که تأخیر در ورود به ازدواج و تشکیل خانواده تاکنون روندی فزاینده داشته‌است و از نسلی به نسل بعد تقویت می‌شود. البته، اینکه این روند در آینده و برای نسل‌های بعدی چگونه ادامه پیدا می‌کند، پرسشی اساسی است که با توجه به تغییرات شدید

فرهنگی و اجتماعی، آینده‌نگری در این زمینه دشوار است. با وجود این، بهتر است با روش‌های مناسب پیش‌بینی‌هایی صورت پذیرد.

بنابر آمارهای سازمان ملل (۲۰۱۵)، سن ازدواج در ایران، در مقایسه با بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر است و احتمال دارد ما را از توجه کافی و رصد تحولات سن ازدواج غافل کند. باید توجه داشت که در کنار مقایسه‌های معمول و سطحی (هرچند در مواقعی ارزشمند)، ازدواج و تحولات آن باید در ارتباط با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی کشور خودمان نیز به‌خوبی تحلیل و بررسی شود. به‌هرحال، ازدواج و تشکیل خانواده در کشور ما از اهمیت زیادی برخوردار بوده و هست؛ حتی چنانچه فرض کنیم جوانان پس از تأخیر در ازدواج بالاخره در سن بالاتری ازدواج می‌کنند، با ادامه روندهای کنونی، دست‌کم می‌توان انتظار داشت که طول عمر خانواده‌ها در کشور کوتاه‌تر شود؛ ضمن اینکه کاهش طول دوره فرزندآوری نیز از دیگر پیامدهای آن خواهد بود. به‌نظر می‌رسد در وضعیت کنونی، که میزان باروری در کشور به زیر سطح جایگزینی رسیده، تأخیر بیش‌ازحد ازدواج می‌تواند مسئله را تشدید کند. باید واقف بود که فرزندآوری در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، خارج از چارچوب ازدواج و تشکیل خانواده نیز رخ می‌دهد (سرایبی، ۱۳۸۵: ۴۶). «برای مثال، در آمریکا، طی سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۰۶ نسبت نوزادانی که خارج از ازدواج به دنیا آمده‌اند، از ۱۱ درصد به ۳۹ درصد رسیده است» (مارتین و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین، در این کشورها، بین سن ازدواج و فرزندآوری رابطه تنگاتنگی وجود ندارد و احتمالاً این جوامع از جنبه فرزندآوری نگرانی چندانی نسبت به تأخیر در ازدواج و مجرد قطعی ندارند. اما، در کشور ما، که فرزندآوری کاملاً در چارچوب ازدواج و تشکیل خانواده صورت می‌گیرد، افزایش بیش‌ازحد سن ازدواج و مجرد قطعی می‌تواند به‌لحاظ فرزندآوری پیامدهای منفی داشته باشد.

با توجه به اینکه بخشی از سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) و نیز سیاست‌های کلی خانواده (۱۳۹۵) به موضوع کاهش سن و تسهیل ازدواج جوانان اختصاص یافته‌است، بایست جهت تنظیم بسته‌های سیاستی، مطالعات مدونی صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود ویژگی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی افرادی که در سن بالا هنوز ازدواج نکرده‌اند یا افرادی که به سن مجرد قطعی رسیده‌اند بررسی شود؛ به‌نوعی که مشخص شود تأخیر در ازدواج این

افراد، تا چه حد ناشی از عوامل «ساختاری و بیرونی» و تا چه حد ناشی از عوامل «فردی و درونی» است. در این صورت، می‌توان سیاست‌ها را هدفمندتر تدوین کرد.

منابع

- احمدی، وکیل و رضا همتی (۱۳۸۷) «بررسی وضعیت مضیقۀ ازدواج در ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال یازدهم، شماره ۴۱: ۴۳-۶۴.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۹) *جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.
- امانی، مهدی (۱۳۸۰) «نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران (۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵)»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷: ۳۳-۴۶.
- بانکی‌پور فرد، امیرحسین (۱۳۹۱) «آسیب‌شناسی نهاد خانواده در ایران با تأکید بر وضعیت ازدواج و طلاق»، در: *کتاب‌اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی*، تهران: پیام عدالت.
- ترابی، فاطمه (۱۳۹۱) «تأخیر در ازدواج در ایران»، *چکیده مقالات همایش ملی جمعیت، تعالی و راهبردها*، سازمان ثبت احوال کشور، ۲۲ و ۲۳ اسفند.
- جعفری مؤدبی، افشین (۱۳۸۲) «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران»، *زن در توسعه و سیاست*، شماره ۵: ۸۳-۱۰۴.
- خسروانی، عباس (۱۳۹۳) «رشد هم‌زمان ازدواج و آسیب‌های اجتماعی»، *روزنامه رسالت*، سال بیست‌ونهم، دوشنبه ۲۲ اردیبهشت، شماره ۸۰۹۹.
- خلج‌آبادی فراهانی، شهلا کاظمی‌پور و علی رحیمی (۱۳۹۰) «روند تغییرات شاخص‌های ازدواج در منتخبی از کشورهای آسیا و اقیانوسیه، با تأکید بر ایران، طی چهاردهم گذشته (۲۰۱۰-۱۹۷۰)»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ششم، شماره ۱۱: ۴۹-۸۴.
- دراهکی، احمد و حسین محمودیان (۱۳۹۱) «تأخیر در ازدواج: انطباق یا بحران؟ نگاهی واکاوانه به سن ایده‌آل ازدواج دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال هفتم، شماره ۱۳: ۷۳-۹۴.
- درودی‌آهی، ناهید (۱۳۸۰) ازدواج و عدم توازن در تعداد دو جنس: مضیقۀ ازدواج در ایران (۱۳۷۵-۱۳۴۵)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- رازقی نصرآباد، حجیه بی‌بی و همکاران (۱۳۹۱) «تحلیل چندسطحی عوامل مؤثر بر زمان وقوع تولد اول در ایران ۱۳۷۹-۱۳۷۰»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۵۵: ۵۵-۹۴.

- رازقی نصرآباد، حجه‌بی‌بی و علی رحیمی (۱۳۹۵) «بررسی تحولات امید زندگی مجردی در ایران با استفاده از جداول خالص زناشویی: دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال نهم، شماره ۱۸: ۹۵-۱۱۸.
- سرایی، حسن (۱۳۸۱) *روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت* (با تأکید بر باروری و مرگ‌ومیر)، تهران: دانشگاه تهران.
- سرایی، حسن (۱۳۸۵) «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال اول، شماره ۲: ۳۷-۶۰.
- سرایی، حسن و سجاد اوجاقلو (۱۳۹۲) «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران (مطالعه موردی: زنان شهر زنجان)»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال پنجم، شماره ۴: ۱۹-۴۱.
- سیاست‌های کلی جمعیت (۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳) ابلاغی مقام معظم رهبری.
- سیاست‌های کلی خانواده (۱۳ شهریور ۱۳۹۵) ابلاغی مقام معظم رهبری.
- عباسی شوازی، محمدجلال و میمنت حسینی چاوشی (۱۳۹۱) «تحولات و سیاست‌های اخیر جمعیتی در ایران: ضرورت تدوین سند جامع جمعیت»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۱۳: ۱۱۷-۹۵.
- قدرتی، حسین (۱۳۸۴) «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی مؤثر بر رفتار باروری در مناطق روستایی با استفاده از مدل ترکیبی (مطالعه موردی شهرستان سبزوار: دهستان بیهق)»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۵۳ و ۵۴: ۴۳-۷۶.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳) «تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، *پژوهش زنان*، دوره دوم، شماره ۳: ۱۰۳-۱۲۴.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸) *مبانی جمعیت‌شناسی*، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- کاظمی‌پور، شهلا و زهرا سلطانی چم‌حیدری (۱۳۹۱) «نگاهی به مسئله باروری زیر نرخ جانشینی و سیاست‌گذاری‌های مؤثر در مواجهه با آن»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۱۴: ۲۹-۵۹.
- کریمی، خدیجه (۱۳۸۸) «بررسی تغییرات شاخص‌های ازدواج در ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵»، *مجموعه مقالات چهارمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- کریمی، خدیجه (۱۳۸۶) *تحلیل دموگرافیک وضع زناشویی طی ۸۵-۱۳۷۵ در ایران*، پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- کلانتری، صمد و همکاران (۱۳۸۳) «عوامل جمعیتی مؤثر بر باروری زنان یزد در سال ۱۳۸۳»، *زن در توسعه و سیاست*، شماره ۱۲: ۱۳۷-۱۵۸.

- کوششی، مجید (۱۳۸۴) «ادامه تحصیل و ازدواج دختران در ایران»، *آموزش علوم اجتماعی*، شماره ۲۶: ۵۶-۶۳.
- مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶) «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۵۳: ۳۷۵-۳۸۶.
- محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۳) «تغییرات اجتماعی ازدواج»، *کتاب زنان*، سال هفتم، شماره ۲۶: ۲۰۲-۱۷۲.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳) «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۴: ۲۷-۵۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰-۱۳۴۵) نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۵. مطیع حق‌شناس، نادر (۱۳۸۲) «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی بر رفتار باروری در ارومیه»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۴۵ و ۴۶: ۸۷-۱۰۲.
- مک‌کارتی، جین ریبنز و روزالیند ادواردز (۱۳۹۰) *مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده*، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: علم.
- مهاجرانی، علی اصغر (۱۳۸۹) «تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنی ازدواج در ایران»، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال چهارم، شماره ۱۱: ۵۴-۴۱.
- میرزایی، محمد (۱۳۸۶) *گفتاری درباب جمعیت‌شناسی کاربردی*، چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
- نائینی، عذرا (۱۳۸۷) *بررسی وضع زناشویی*، مرکز آمار ایران: پژوهشکده آمار.
- نوروزی، لادن (۱۳۸۱) «روند تحولات وضع زناشویی در کشور و چشم‌انداز آن در سال‌های آینده: پیامدها و راهکارها، در: مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- هایند، آندرو (۱۳۸۵) *روش‌های جمعیت‌شناختی*، ترجمه حاتم حسینی و غلامرضا کهن‌سالی، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- هزارجریبی، جعفر و پروانه آستین‌افشان (۱۳۸۸) «بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته: ۱۳۵۵-۱۳۸۵»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره اول، شماره ۱: ۱۳-۳۲.

Afzal, M., and N. Iftikhar (1974), "Net Nuptiality Tables for Males and Females in Pakistan: 1962-65." *The Pakistan Development Review*, 13(1), 55-65.

Anderson K. H.; M. Anne Hill & J. S. Butler (1987), "Age at marriage in Malaysia: A hazard model of marriage timing", *Journal of Development Economics*, 26 (2): 223-234.

- Becker, G. (1976), *The Economic Approach to Human Behavior*. Chicago: University of Chicago Press.
- Casterline, J. B. (1994), "Fertility Transition in Asia," In T. Lohch and V. Hertrich (Eds.), *The Onset of Fertility Transition in sub-Saharan Africa* (pp. 69-86). Liège, Belgium: Derouaux Ordina Editions.
- Coale, A. J. and S. C. Watkins (1986), "The Decline of Fertility in Europe," (eds.), Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Davis, P.Oever (1982), "Demographic Foundations of New Sex Roles", *Population and Development Review*, No.3:495-513.
- Dixon, R. (1971), "Explaining Cross-Cultural Variations in Age at Marriage and Proportions Never Marrying", *Population Studies*, 25, 215-233.
- Good, W. J. (1963), *World Revolution and Family Pattern*. New York: Free Press.
- Jones, G. W. (2010), "Changing Marriage Patterns in Asia", Working Paper Series No.131, Asian Research Institute & Department of Sociology, National University of Singapore.
- Malhotra, Anju, (1997), *Gender and the Timing of Marriage : Rural – Urban Differences in Java*, University of Maryland.
- Martin, J. A., Hamilton, B. E., Sutton, P. D., Ventura, S. J., Menacker, F., Kimeyer, S., & Mathews, M. S. (2009), *Births: Final data for 2006*. National vital statistics reports. vol. 57, no 7. Hyattsville, MD: *National Center for Health Statistics*.
- Moffitt, R. A. (2000), *Female Wages, Male Wages, and the Economic Model of Marriage: the Evidence in L.J. Waite (ed.), The Ties That bind: Perspectives on Marriage and Cohabitation*. New York: Walter de Gruyter.
- Parker, K., Wang, W. and M. Rohal (2014), *Record Share of Americans Have Never Married: As Values, Economics and Gender Patterns Change*, Washington, D.C.: Pew Research Center's Social & Demographic Trends project, September.
- Peng, T. N. (2007), "Trends in delayed and non-marriage in peninsular Malaysia, *Asian Population Studies*, 3(3): 243-261.
- Retherford, R. D.; N. Ogawa & R. Matsukura (2001), "Late Marriage and Less Marriage in Japan", *Population & Development Review*, 27(1): 65-102.
- Rosero-Bixby, L. (1996), "Nuptiality Trends and Fertility Transition in Latin America," In J. M. Guzman, S. Singh, G. Rodriguez, and E. A. Pantelides (Eds.), *The Fertility Transition in Latin America*, Oxford, England: Clarendon Press. pp. 135-150.

- Teachman, J. D., Tedrow, L. M., & Crowder, K. D. (2000), The changing demography of America's families. *Journal of Marriage and Family*, 62(4), 1234-1246.
- United Nations (2015), Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2015). World Marriage Data 2015 (POP/DB/Marr/Rev2015). Available at: <http://www.un.org/en/development/desa/population/theme/marriage-unions/WMD2015.shtml>
- Van de kaa & dirk J (1987), Europe's Second Demographic Transition, *Population Bulletin*, vol. 42, No. 1.
- Veevers, E. J. (1988), "The Real Marriage Squeeze: Mate Selection, Mortality, and the Mating Gradient", *Sociological Perspectives*, Vol. 31, No. 2, pp. 169-189.
- Wei, Y., Q. Jiang & S. Basten (2013), "Observing the Transformation of China's First Marriage Pattern through Net Nuptiality Tables: 1982-2010." *Finnish Yearbook of Population Research XLVIII*, 2013, pp. 65-75.
- Yoo, S. H. (2016), Postponement and recuperation in cohort marriage: The experience of South Korea. *Demographic Research*, 35(35), 1045-1078.